



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۲۰	تاریخ	۱۴۰۱/۰۸/۰۹
عنوان ۱	حجیت ظن				
عنوان ۲	ظنون خاصه				
عنوان ۳	سیره و اخواتها				
عنوان ۴	بررسی حجیت سیره متشرعه				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور درس گذشته

گفتیم برای اثبات حجیت سیره متشرعه، سه مقدمه یا شرط وجود دارد. شرط اول این بود که سیره، باید سیره متشرعه باشد و این متوقف بر این است که سیره، سیره غالب بر اهل تشیع باشد. شرط دوم این بود که اثبات شود سیره، سیره معاصر با معصوم است. مقدمه سوم اینکه عامل دیگری غیر از حکم شارع در شکل گیری این سیره تأثیر نداشته باشد. بحث ما در توضیح شرط دوم بود.

بحث در شرط دوم در این بود که از چه طریقی می توان معاصرت سیره متشرعه با عصر معصومین را اثبات کرد که گفتیم برای اثبات این معاصرت، تقریباتی وجود دارد.

تقریب اول را بیان کردیم که حاصلش این بود که اگر مسأله ای مبتلا به مسلمین بود و این ابتلاء همیشگی بوده و مخصوص عصر ما نیست - مثلاً مسأله نجاست کافر - یا متشرعه حکم این مسأله را از شارع سؤال کرده اند و یا اینکه شارع خود حکم این مسأله را بیان کرده است؛ نمی شود مسأله ای در زمان شارع مبتلا به مردم باشد که نه خود شارع حکم آن را بیان کرده باشد و نه متشرعه حکم آن را سؤال کرده باشند؛ لذا اگر حکم شارع مخالف بود با سیره متشرعه ای که اکنون - بر نجاست کافر - قائم است، این سیره شکل نمی گرفت. این مسأله غیر از این است که گفته شود اگر حکم معصوم بر خلاف آن بود، حکم به ما واصل می شد؛ بلکه در اینجا گفته می شود اگر چنین حکمی از شارع بر خلاف این سیره صادر شده بود، این سیره شکل نمی گرفت؛ پس حکم شارع برخلاف این سیره نبوده است و این سیره، ناشی از حکم شارع است.

تقریب دوم اینکه گفته شود می توانیم سیره متشرعه را از طریق نقل اثبات کنیم. اگر این نقل، به صورت تواتر باشد، معاصرت سیره با زمان معصوم را اثبات می کند. اگر این نقل، نقل واحد بوده اما مقترن به قرائن قطعی است، چنین نقلی نیز می تواند معاصرت سیره با زمان شارع را اثبات کند. چنانچه این نقل، نقل واحدی است که مقترن به قرائن موجب قطع نیست، اگر بخواهد حجت باشد، باید حجیت خبر واحد در موضوعات را قبول داشته باشیم؛ یعنی دلیلی بر حجیت خبر در موضوعات وجود داشته باشد؛ زیرا این خبر، سیره متشرعه را برای ما نقل می کند و سیره متشرعه بما هی، موضوع خارجی

است؛ بله؛ البته موضوعی است که ملازمت با حکم شرعی دارد؛ اما خودش فی نفسه موضوع خارجی است. نقل سیره، غیر از نقل خود حکم است.

اگر خبر واحد در موضوعات را حجت دانستیم، باید ببینیم دلیل حجیت خبر واحد در موضوعات چیست؟ استاد شهید در اینجا اشکالی وارد می کنند و می فرمایند اگر دلیل حجیت خبر واحد در موضوعات، تنها خود سیره متشرعه^۱ باشد، مشکل [دور] پیش می آید؛ زیرا از طرفی با سیره متشرعه، حجیت خبر واحد را اثبات می کنیم و از طرفی با حجیت خبر واحد، وجود سیره را اثبات می کنیم. بله؛ اگر ابتدا حجیت خبر واحد را با دلیل دیگری همچون نص قرآنی یا روایی اثبات کنیم، نقل واحد از معاصرت سیره، می تواند اثبات کند که سیره، معاصر با معصوم است؛ اما اگر بخواهیم با خبر واحدی وجود سیره را اثبات کنیم که دلیل حجیت آن خبر واحد، سیره است، دور لازم می آید.^۲

اشکال استاد شهید بر اثبات معاصرت سیره از طریق خبر واحد، اشکال درستی است و بر این تقریب، این اشکال وارد است.

تقریب سوم

تقریب سوم این است که معاصرت سیره را با زمان معصومین علیهم السلام، از طریق اجماع فقها - محصل یا منقول - بر سیره اثبات شود. این اجماع، متوقف بر تصریح آنها است. در مواردی وجود دارد که عبارت فقها دلالت دارد بر اینکه سیره اصحاب چنین بوده است؛ یعنی تمام فقها، این سیره را نقل کردند. نقل سیره با اجماع، غیر از نقل خود حکم با اجماع است.

اگر در بحث اجماع استدلال کردیم بر اینکه عادتاً ممتنع است که فقهای اصحاب ائمه علیهم السلام بر یک حکم شرعی اجماع کنند و حکم شارع برخلاف مجمع علیه آنها باشد - که این استدلال، استدلال عقلی است که مبتنی بر تلازم اجماع اصحاب و ثبوت حکم شارع است - و یا به استناد مقبوله عمر بن حنظله^۳ که امام به ایشان فرمود به مجمع الیه بین اصحاب تمسک کن - اگر بتوان به آن تمسک کرد - و یا به هر دلیل دیگری حجیت اجماع را اثبات کردیم، آیا می توان گفت بر اجماع بر سیره نیز ساری می شود یا اینکه اگر حجیت اجماع ثابت شود، مخصوص اجماع بر حکم است؟

در اینجا می توان گفت اجماع بر سیره به این لحاظ که این سیره، سیره ملازم با حکم شارع است، به شکلی اجماع بر حکم است؛ زیرا در آینده خواهیم گفت که وقتی گفته می شود سیره حجت است، مراد ما قالب و پوسته سیره نیست؛ بلکه محتوای سیره مراد ماست.

حرف ما این است که اگر این اجماع، اجماعی باشد که ما بدانیم این اجماع، اجماع متصل به عصر معصومین باشد - یعنی اجماع قدما باشد - اجماع آنها، اطمینان بر این سیره ایجاد می کند؛ اما اجماع حادث متأخرین با وجود عدم اجماع

۱. البته همین سخن را در سیره عقلاییه نیز بیان می کنند ولی چون بحث ما در سیره متشرعه است، در اینجا این بحث را بیان می کنیم.
 ۲. وهذا الوجه إن فرض فيه تظافر النقل واستفاضته بنحو قطعي أو توافر قرائن على قطعته فلا إشكال، وإن فرض فيه النقل بخبر ثقة فهو أنما يجدي فيما لو ثبتت حجية خبر الثقة في المرتبة السابقة بدليل آخر فلا يجدي إذا كانت السيرة يراود الاستناد إليها في إثبات حجية نفس الخبر كما هو واضح. بحوث في علم الأصول؛ ج ۴، ص ۲۳۹.
 ۳. «قَالَ يُنْظَرُ إِلَى مَا كَانَ مِنْ رَوَايَاتِهِمَا عَنَّا فِي ذَلِكَ الَّذِي حَكَمَ بِهِ الْمُجْمَعُ عَلَيْهِ عِنْدَ أَصْحَابِكَ فَيُؤْخَذُ بِهِ مِنْ حُكْمِنَا وَيُتْرَكُ الشَّاذُّ الَّذِي لَيْسَ بِمَشْهُورٍ عِنْدَ أَصْحَابِكَ فَإِنَّ الْمُجْمَعُ عَلَيْهِ لَا رَيْبَ فِيهِ». وسائل الشيعة؛ كتاب القضاء، ابواب صفات القاضي، باب ۹، ح ۱.

متقدمین، بر فرض اینکه چیزی را اثبات کند، سیره غیر معاصر را اثبات می‌کند؛ لذا نیاز به دلیل دیگری دارد که معاصرت آن سیره را اثبات کند؛ لذا خارج از بحث ما می‌شود؛ زیرا ما می‌خواهیم معاصرت را با اجماع فقها اثبات کنیم.

بنابراین نقل سیره به وسیله اجماع فقها، در صورتی می‌تواند با وجود چنین سیره‌ای در بین متشرعه ملازمت داشته باشد که اجماع، اجماع فقهای متصل به عصر معصومین علیهم السلام یا معاصر با عصر معصومین باشد. این طریق، طریقی سالمی برای اثبات سیره متشرعه معاصر معصوم است.

باید توجه شود اینکه فقها بگویند سیره متشرعه معاصر معصوم بر این قائم است، این به تقریب دوم برمی‌گردد که نقل سیره معاصر معصوم است؛ در این تقریب چنین است که فقها، خودشان شهادت بر وجود سیره می‌دهند که این شهادت بر وجود سیره، شهادت حسی است؛ یعنی ظهور شهادت در حسی بودن است. اگر این شهادت، شهادت اصحاب و فقها ما در عصور متصله به زمان معصوم باشد، شهادت حسی از این می‌شود که این سیره، سیره معاصر ائمه اطهار علیهم السلام بوده است؛ اما اگر این شهادت در عصور بعدی باشد، شهادت بر سیره، شهادت حسی بر معاصرت با زمان خود فقیه خواهد بود؛ اما اگر معاصرت این سیره با عصر معصوم را بخواهد اثبات کند، نقل سیره است که در تقریب دوم شرایط آن بیان شد. بنابراین در تقریب سوم، نقل نیست؛ بلکه شهادت اصحاب بر وجود سیره متشرعه است. اگر اجماع فقها بر چنین شهادتی باشد، سیره متصله را اثبات می‌کند؛ زیرا عادتاً ممتنع است که در این زمان متصل به زمان معصوم، سیره، متجدد شده باشد.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين